

جوانان حکمتیست ۸۹



۱۶ MAY 06 - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۵

سه شنبه ها منتشر می شود!

foadsjk@gmail.com

سردبیر: فواد عبداللہی

حضور واحدهای گارد آزادی در شهر سنج

اطلاعیه فرماندهی گارد آزادی

دیشب یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ برابر با ۱۴ ماه مه ۲۰۰۶، چندین واحد از نیروهای مسلح گارد آزادی با کاردانی و جسارت در محلاتی از شهر سنج حضور یافتند. این واحدها بعد از تأمین و برقراری امنیت، هزاران نسخه از بیانیه حزب حکمتیست در مورد "خطر حمله نظامی آمریکا به ایران" و اطلاعیه های گارد آزادی را در شهرک بهاران، شهرک سعدی، شهرک بعثت، کارآموزی، پیر محمد، خیابان ۲۵ و روستاهای "نه نوله" و "قولیان" واقع در حومه سنج، پخش نموده و بعد از پایان کار موفقیت آمیز خود، سالم و سر حال آنجا ها را ترک کرده اند.

اقدام جسورانه واحدهای گارد آزادی در شرایطی صورت میگیرد که رژیم جمهوری اسلامی ایران برای مقابله و رو در رویی با اعتراض و مبارز روزمره مردم انقلابی کردستان، نیروی زیادی را در این منطقه متمرکز نموده است. جمهوری اسلامی تلاش دارد با این اقدامات فضای مختنق و جنگی ایجاد کند و چند صباحی به عمر ننگین خود ادامه دهد. با تمام این تلاشهای ضد مردمی، نیروهای مسلح گارد آزادی در شهرهای کردستان حضور می یابند و تکثیر و آمده میشوند تا در مقابل هر پیشامدی از زندگی و امنیت مردم دفاع کنند. پیوستن به واحدهای گارد آزادی، تشکیل این واحدها در شهرهای مختلف و برقرار کردن ارتباط با فرماندهی گارد آزادی، قدمی جدی و ضروری در راه ایجاد امکان دفاع از خود برای مردم در مقابل هر دولت و جریان فاشیست و هر سناریوی سیاهی است که زندگی مردم را تهدید کند.



درباره خطر حمله نظامی به ایران

بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

امکان حمله آمریکا به ایران در ماههای اخیر، خطر تحقق کابوس مخوفی را بر فراز سر مردم ایران به حرکت در آورده است. کابوسی که طبق اعتراف "بهترین" و "خوشبین ترین" استراتژیست های نظامی آمریکا، کشتار ده ها هزار نفر از مردم ایران، ویرانی کامل بنیاد های اقتصادی و صنعتی ایران، و عقب گرد جامعه ایران و کل خاور میانه به میدان عمل تروریسم لجام گسیخته آمریکائی و اسلامی، و تبدیل ایران به حوزه تاخت و تاز انواع دستجات مسلح قومی و مذهبی، را بار خواهد آورد. این کابوس نه تنها سیمای خاورمیانه بلکه سیمای کل جهان معاصر، توازن و تعادل بین قدرت های اقتصادی با هم و با مردم، و بالانس ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی جهان را دستخوش تغییرات اساسی و سرنوشت سازی خواهد کرد.

سیاست ارباب نظامی، ریاکاری سرمایه داری و سیاستمداران و رسانه های آنها را بار دیگر به نمایش گذاشت. دولتهایی که در مقابل چشمان حیرت زده جهانیان، ظرف چند روز عراق کشوری چند ده میلیونی را تماماً منهدم کردند، بناگهان "حافظ صلح و امنیت" جهان قلمداد میشوند. مسببین نسل کشی در ویتنام و تنها یار گیرندگان بمب هسته ای علیه مردم بیگناه در تاریخ بشر بناگاه مدافع "امنیت جهان" و "حقوق بین الملل" از آب در می آیند. دولتهای مختلف و ژورنالیسم نوکر حقایق این سلطه طلبی آشکار را از مردم پنهان میکنند. دارند جهان را برای یک سلسله جنگ و آدم کشی عنان گسیخته آماده میکنند.

ورای پروپاگاندا میلیتاریستی آمریکا در مورد علل این جنگ، در پس عوامفریبی ها و تحریکات دول ایران و آمریکا بر سر "مناقشه اتمی" و یا "موجودیت دولت اسرائیل"، وری تبلیغات کر کننده دستگاههای رسمی دروغ پردازی در مورد دلایل ضرورت حمله نظامی به ایران، حقایق مربوط به یکی از خونبار ترین جنگ های معاصر، خود را نشان میدهد. تخاصم و مناقشه دولت آمریکا و جمهوری اسلامی هم عمر و هم تاریخ رژیم اسلامی است و سابقه ای بیست و شش ساله دارد. نه ضدیت جمهوری اسلامی با آمریکا و نه دشمنی هیات حاکمه آمریکا با جمهوری اسلامی هرگز کمترین رگه ای از منفعت مردم آمریکا و خواسته های آزادیخواهانه مردم ایران را در بر نداشت. این جدال دو نیروی ارتجاعی بود که پیروزی و شکست، قدرت و ضعف هریک از طرفین آن جز تباهی و سیه روزی مردم را در بر نداشت. این کشمکش دول آمریکا و ایران هرگز جنگ مردم نبود. اما، "مناقشه اتمی" اخیر و خطر حمله نظامی آمریکا به ایران ادامه جنگ همیشگی دول ایران و آمریکا نیست. کابوس تبدیل ایران به عراقی به مراتب خونین تر امروز نه مقطعی در آن تاریخ است و نه ادامه کشمکش "سنتی" بین ایران و آمریکا.

این دور از جنگ و آدم کشی و انهدام، ریشه در منافع دیگری دارد. برای تثبیت قدرت بلامنازع آمریکا در سطح جهان، همه چیز و همه کاری، از تخریب و کشتار میلیونی تا بستن شیر آب آشامیدنی بر روی میلیونها کودک در عراق، از ریختن هر روزه هزاران تن بمب و سموم شیمیایی بر سر یک جامعه تا اشغال و کوچ اجباری و راه اندازی نسل کشی "مجاز" است. چه کسی است که منفعی که پشت خونین ترین جنگ های جهانی امپریالیستی که سرمایه داری برای تعیین تکلیف قدرت براه انداخته است را نداند؟ چه کسی است که قدرت تخریبی سرمایه داری و قدرت های امپریالیستی برای ایجاد تعادل در تاریخ سرمایه را نداند؟

فروریختن دیوار برلین و تعادل جدیدی که قرار بود بدنبال حذف بلوک شرق برقرار شود همچنان تا امروز حل نشده و بلا تکلیف باقی ماند. دو حمله به عراق و انهدام و ←

"فاحشه!
بگیرید به
او تجاوز
کنید...."



وحشی های اسلامی در مجلس افغانستان، بار دیگر به ملالی جویا حمله نمودند. این افراد فاقد شخصیت بشری با استعمال کلمات خلاف شرافت انسانی و هتک حرمت از جمله "فاحشه! بگیرید و به او تجاوز کنید!" که جز فرهنگ پائین این اوباشان و حامیان شان است، میخواستند که بار دیگر ملالی جویا را از مبارزه اش باز دارند و از صحنه بدورش کنند. اما او با اراده استوار و تسلیم ناپذیر به همه اطمینان بخشید که به مبارزه خود تا آخرین لحظات زندگی اش ادامه خواهد داد. ملالی جویا در مصاحبه ای با تایمز گفت: "این مردم دو مشکل دارند. اول اینکه من یک زن هستم، دوم اینکه من به دموکراسی اعتقاد دارم. آنها به حقوق زن عقیده ندارند. من تهدیدات زیادی دریافت نموده و حرف های رکیک بیشمار شنیده ام. آنها میتوانند مرا بکشند، اما نمیتوانند صدای مرا خاموش سازند. این حادثه برای کشور های غربی آزار دهنده است که با تجاوز به افغانستان طالبان را سقوط داده و بعداً "دموکراسی" را مستقر ساختند. تحفه غرب به افغانستان آوردن دوباره جانبان و قاتلانی بود که مصیبت عظیمی بر مردم و کشور ما تحمیل نمودند."

با رهبران حزب

با بهرام مدرسی ص ۲

به استقبال هفته

منصور حکمت برویم!

جمال کمانگر ص ۳

هرزگی اقتصاد کاپیتالیستی

بهرام صانعی ص ۴

خانم عبادی...

حامد راد ص ۵

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

و نظامی در کارخانه و مدرسه و دانشگاه و محل کار و زندگی مردم، علیه حمله بیشتر به سطح معیشت مردم به بهانه جنگ میایستید و مردم را برای دفاع از امنیت، معیشت و زندگی شان سازمان می دهد.

ما تلاش میکنیم که مردم در محل های کار و زندگی شان کنترل اوضاع را بدست بگیرند و با تشکیل انواع تشکل های محلی و سراسری خود را در مقابل با بحران حاضر تجهیز کنند. ما معتقدیم که تنها راهی که در مقابل مردم ایران قرار دارد متشکل شدن، متحد و قدرتمند شدن برای عقب راندن ارتجاع اسلامی و خارج کردن کنترل جمهوری اسلامی بر زندگی شان است. ما تلاش میکنیم که با مشکل کردن، سازمان دادن و مجهز کردن مردم ایران و حاکم کردن آنها بر سرنوشت شان به هر اندازه ممکن، مانع از پاشیدن شیرازه جامعه شویم. حزب ما، مبتکر ایجاد "گارد آزادی" متشکل از مردم مسلح برای دفاع از امنیت و آزادی شان و برای مقابله با سناریوی عراقیزه شدن ایران، و همچنین ضرورت اعمال کنترل مردم بر محلات است. در این راستا تلاش میکنیم که مردم و بخصوص طبقه کارگر را متشکل کنیم و گارد آزادی را به نیروی مسلح مردم برای دفاع از زندگی شان در سراسر ایران تبدیل کنیم.

در خارج کشور، حزب ما بر دخالت فعال طبقه کارگر، بخصوص در مراکز کلیدی و در کشورهای متروپل، حساب میکند. حزب ما بر اتحاد طبقاتی طبقه کارگر و نیروی این طبقه در سطح جهان، بعنوان یک عامل مهم و تعیین کننده برای تغییر روند سیاه سلطه طلبی و میلیتاریسم امپریالیستی، و در دفاع از مردم ایران، حساب میکند. حزب ما به متحدین طبقاتی خود در غرب، یعنی طبقه کارگر و بشریت متمم در غرب، رجوع خواهد کرد.

جهان نباید میدان یکه تازی سرمایه و دول ارتجاعی آن باشد. طبقه کارگر در غرب باید بار دیگر قدرت طبقاتی خود را با متوقف کردن چرخ های تولید به میدان آورد و بر لجام گسیخته بورژوازی کشورهایشان افسار بزند. جهان سرمایه بدون حضور و دخالت فعال طبقه کارگر، بدون ترس از قدرت طبقه کارگر، جهنمی است که پیش رو داریم. باید همه نیروی خود را برای متوقف کردن چرخ این جهنم به میدان آورد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ (۱۲ مه ۲۰۰۶)

جیره موجب هیات حاکمه آمریکا خواهند شد. در هر حال جز تقویت ارتجاع رسالت خدمتگزاری دیگری ندارند.

حمله آمریکا به ایران جنگی علیه بشریت است. علیه مردم ایران و جهان است. این جنگ پیش پرده سرکوبهای فردا است. این جنگ اولتیماتومی است که معماران نظم ارتجاعی نوین به جنبش های کارگری و حق طلبانه در هر گوشه جهان میدهند. مصائب این جنگ به قربانیان بلافصل آن در ایران و خاورمیانه، به کشته ها و زخمی ها و آوارگان اش، محدود نمیشود. این جنگ جهان را در همه ابعاد به عقب میکشد. نباید گذاشت این جنایت هولناک صورت بگیرد. نباید گذاشت که مردم ایران را قربانی عروج و سرکردگی آمریکا کنند و سایر مردم جهان را به بی قدرتی و تسلیم عادت دهند. نباید گذاشت مبارزه مردم ایران را دستمایه عروج نیروهای ارتجاعی و تعیین تکلیف سلطه طلبی امپریالیستی دولت آمریکا کرد. باید مقابل مسیر خونین تثبیت سرکردگی آمریکا را سد کرد. طبقه کارگر و جنبش کمونیستی باید همه قدرت خود را برای متحد و متشکل کردن میلیونی مردم آزادیخواه به میدان آورد. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست هر نوع حمله آمریکا به ایران را محکوم میکند. ما اعلام میکنیم که در داخل ایران و در خارج کشور، پیشاپیش صف بشریت مترقی و آزادیخواه با سناریو آمریکا برای تثبیت سرکردگی خود به قیمت قربانی کردن میلیونی مردم ایران، مقابله خواهیم کرد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در مقابل میلیتاریسم و سلطه طلبی امپریالیستی سرمایه، بر اتحاد و هم سرنوشتی طبقه کارگر جهانی، اتحاد و هم سرنوشتی همه مردم جهان، حساب میکند و دفاع از آزادی و امنیت همه شهروندان در ایران را وظیفه فوری خود میداند. ما اعلام میکنیم که مقدم بر هر حق دیگر هسته ای یا غیر هسته ای، آزادی، برابری، شادی، رفاه، استثمار نشدن، سرکوب نشدن، بهداشت، رفاه، خلاصی فرهنگی و تعالی فیزیکی و معنوی حق مردم ایران است. جمهوری اسلامی تمام این حقوق را از مردم ایران دریغ کرده و سنگ بنای کل اختناق و فقر حاکم بر ایران است. مردم ایران در این مسابقه اعمال حق غنی سازی جمهوری اسلامی نه شریک اند و نه در آن نفعی دارند. حزب ما در ایران پیشاپیش مردم در مقابل میلیتاریزه کردن فضای زندگی مردم، علیه تحمیل اختناق اسلامی

کشی "تاریخی" قوم مادری" شان خواهند فرستاد. از آنها سربازان پاکسازی های قومی خواهند ساخت.

اولین نسیم تحریکات نظامی آمریکا، جمهوری اسلامی را بیش از پیش در کارخانه و مدرسه و خیابان، به جان مردم ایران میاندازد. بهانه جنگ با "خارجی" و "دفاع از کشور"، دیر یا زود کل اردوی ناسیونالیسم ایرانی را در پشت جمهوری اسلامی بسیج خواهد کرد، تمام بورژوازی در اعمال به بی حقوقی بیشتر، فقر و فلاکت، اختناق و سرکوب بیشتر بر مردم شرکت خواهند کرد. تحریکات نظامی آمریکا و غرب، فضای زندگی مردم ایران را اسلامی و میلیتاریزه میکند و به جمهوری اسلامی ایران امکان تعرض وسیعی و گسترده تری را میدهد.

در این میان وضعیت احزاب، روشنفکران و تحصیل کردگان سیاسی مستاصلی که در دل رویاهای ابلهانه میپروانند، اسفناک است. این نیروها بازیگران ناشی و کودن میدان فریب و ریا "مناقشه اتمی" اند که "صورت مسئله" بحران حاضر را از آمریکا و متحدین غربی اش پذیرفته اند. قبول کرده اند که واقعا کشمکش بر سر مسئله هسته ای است و در نتیجه یا در صف اقمار و متحدین دور و نزدیک آمریکا ایستاده اند و حداکثر اختلاف شان با آمریکا "نظامی بودن" راه حل است و یا به دور جمهوری اسلامی میچرخند.

احزاب و نیروهای ناسیونالیستی و اسلامی که گرسنگی نکشیدن کودکان شان، مسکن، آزادی، بهداشت، تحصیل، زندگی امن و انسانی و برابر را جزو حق بدیهی مردم نمیدانند یکباره عناصر پر حرارتی در دفاع از "حق ایران برای غنی کردن اورانیوم" و "حق و حقوق بین المللی" از آب درآمده اند!

گروه هایی که یا به کشتارگاه جمعی آمریکا، برای خلاصی از "شر ایران اتمی"، چشم امید دوخته اند یا برای مقابله با خطر حمله آمریکا و در دفاع از "حق اتمی" به ارتجاع اسلامی، دخیل بسته اند. این نیروها یا فریب دستگاههای دروغ پردازی سیاستمداران آمریکا را خورده اند و حمله آمریکا را راه تقابل با "ایران اتمی" میدانند، یا خود معماران و سازندگان این ساختمان فریب و ریا هستند. کسانی که یا در دفاع از "حق ملی" ایران برای "اتمی" شدن، به زیر عبای اسلام "ضد امپریالیست" و حکومت اسلامی می خزند یا از فرط "دشمنی" با جمهوری اسلامی سرباز بی

تخریب و قتل عام کودکان در عراق، تراشیدن انواع محور های شر تا امروز نتوانسته است قدرت بلامنازع و سرکردگی آمریکا را بر رقبای اقتصادی روسی و چینی و اروپای متحد، تثبیت کند. کاندیداتوری ایران و قربانی کردن میلیونها نفر از ساکنین آن، قرار است تکلیف سرکردگی آمریکا را یکسره کند. راه نظم نوین جهانی به سرکردگی آمریکا، از این مسیر خونین میگذرد. مسئولیت این تباهی تماما با آمریکا و متحدین اش است.

اگر برای نابودی هر دیکتاتوری و زور گو و مستبدی و هر حکومت فاشیستی باید کشوری را با بمب و موشک و خمپاره همه ساکنین اش منهدم کرد، می بایست تا امروز آمریکا، اسرائیل و انگلیس را فقط به خاطر همین یک فقره کشتار های اخیر در عراق و فلسطین، صد ها مرتبه با خاک یکسان کرد. این منطق غیر انسانی و مسیر خونین پیشروی سرمایه، جایی در مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران ندارد. جنگ مردم ایران با جمهوری اسلامی، مبارزه مردم ایران برای آزادیخواهی و برابری طلبی جایی در ضدیت و دشمنی هیات حاکمه آمریکا با جمهوری اسلامی ندارد. حمله نظامی آمریکا به ایران علیه حرکت آزادیخواهانه مردم ایران است. در حمله نظامی آمریکا به ایران مردم ایران اولین قربانیان بیگانه حمله آمریکا خواهند بود. حمله ای که علاوه بر خسارات عظیم انسانی که ببار خواهد آورد، آزادیخواهی و برابری طلبی این مردم را به پشت صحنه مناقشات غیر انسانی خواهد راند. جنگی که میدان گسترده ای برای انواع تحرکات ارتجاعی باز خواهد کرد. جنگی که تقابل مردم با رژیم ایران برای حق زن و کودک و در دفاع از حق کارگر و دانشجو و معلم و برای آزادی و برابری همه شهروندان را به حاشیه خواهد راند. جنگی که با هویت تراشی ارتجاعی قومی و مذهبی، "آذری" و "فارس" را نه فقط در آذربایجان و کردستان که در محلات تهران و اصفهان و خراسان به جان هم خواهد انداخت.

دستجات قومی صف کشیده و در نوبت ایستاده اند. مسابقه ارتجاع، همه را به میدان میآورد. دیگر جامعه میدان تقابل فقط اسلامی ها و آمریکایی ها نیست. بر پیشانی شهروندانی که هرگز هویت قومی و ملی نداشتند، بر حسب شناسنامه مهر شیعه و سنی، عرب و عجم، فارس و کرد و بلوچ و آذری میزنند، آن ها را به "خونخواهی" اجداد پدری شان و "انتقام

به استقبال هفته منصور حکمت برویم!



جمال کامانگر

هر سال از ۴ تا ۱۱ ژوئن برابر ۱۵ تا ۲۲ خرداد هفته منصور حکمت اعلام شده است. در این هفته دست آوردهای زندگی پربار حکمت گرامی داشته میشود. بزرگداشت منصور حکمت تنها مختص به احزابی نیست که بنیاد نهاده و معمار و پراتیسین آنها بوده است. بلکه بزرگداشت این روز به تمام کسانی که در اهداف و آرمانهای مارکسیستی منصور حکمت خود را شریک میدانند تعلق دارد.

تجلیل از منصور حکمت تجلیل از مارکس و لنین است. حکمت تمام عمر سیاستش را برای بیرون آوردن و کنار زدن تحریفاتی که سالها به اسم مارکس و لنین به خورد جامعه داده بودند، صرف کرد. در افزوده های با ارزش تئوریک به مارکسیسم گویای این حقیقت است. برای نسل جوانی که میخواهند بدانند مارکس چی میگوید، میخواهند دنیا را تغییر بدهند باید منصور حکمت را بخوانند. برای تمام کسانی که دلشان برای رهایی انسان از قید و بند نظام ظالمانه سرمایه داری می تپد و مارکسیسم را راه نجات انسان از این منجلاب نکبت بار سرمایه داری میدانند، حکمت کلید این مهم است. برای تغییر دنیا باید سراغ متد مارکس و لنین رفت که در دنیای کنونی منصور حکمت نماینده صادق و پراتیسین خستگی ناپذیر این خط بوده و هست. هفته منصور حکمت بر خلاف سنت رایج در میان شرق که به نحوی با مرده پرستی. از رهبران خود تجلیل میکنند سنتی مدرن برای گرامی داشت دست آوردهای یک زندگی پر بار است. کمونیسم دخالنگری که منصور حکمت پرچم آنرا بر افراشت کمونیسمی است که بعد از پایان دهه ۲۰ از بورژوازی روسیه به نام کمونیسم شکست اش داده بودند.

منصور حکمت زمانی برنامه "یک دنیای

بهتر" را نوشت و در سال ۱۹۹۴ به تصویب حزب رساند که بورژوازی جهانی سرمست از پیروزی بر قطب دیگر سرمایه داری دولتی بود که ۷۰ سال به ناحق خود را "نماینده" کمونیسم قلمداد کرد.

زمانی که در مقابل هر مارکسیست که تسلیم این موج خود فریبی "پایان تاریخ" و "مرگ کمونیسم" نشده بود، صدها مارکسیست سابق را می دیدید که علیه مارکس و کمونیسم اش رجز خوانی میکردند. اهمیت نظرات حکمت و کار طاقت فرسایش را باید در این متن دید.

کمونیسم منصور حکمت برای دفاع از ایده های برابری طلبانه مارکس و لنین قد علم کرده است و سد محکمی ساخته است که صدها کمونیست پر شور را در بر میگيرد، و بار دیگر انسانگرایی مارکسی را به صحنه سیاست بازگردانده است. برای کسانی که فکر میکردند دیگر "فایده ای" ندارد باید نشست و به وضع موجود تن داد، منصور حکمت بود که نماینده کمونیسم معترض و خواهان تغییر را نمایندگی می کرد. کمونیسمی که برای اولین بار دفاع از زنان، کودکان و پناهندگان را به مرکز سیاست راند. و نشان داد که برای کمونیسم هر درجه از تغییر همین امروز مسئله حیاتی است. در عین حال که مشغول سازماندهی انقلاب کمونیستی بود از کوچک ترین تغییری که به نفع طبقه کارگر و مردم باشد غافل نبود. صفی از کمونیست های معاصر را در دو کشور ایران و عراق به دور کمونیسم مارکس جمع کرد و نشان داد که میشود یک دنیای دیگر یک دنیای بهتر را با دست انسانهای امروزی ساخت.

درست است که هنوز ایده های کمونیستی حکمت در گوشه ای از جهان در قامت دولت و قانون ظاهر نشده است. اما تا اینجا حداقل در عرصه سیاست ایران به عنوان یکی از بازیگران صحنه حضور دارد. اگر تلاش ما کمونیستها و حکمتیست هایی که درگیر مبارزه در منطقه حساسی مانند خاورمیانه هستیم گوشه ای هر چند کوچک را تحت تاثیر خود قرار دهیم قطعا کمونیسم مارکس و لنین را که پرچمش در دست منصور حکمت و حکمتیستهاست بار دیگر در صحنه سیاسی جهان مطرح خواهد کرد! برای نسل جوانی که زیر بمباران تبلیغی بورژوازی جهانی میخواهند بدانند چی شد چرا بلوک شرق شکست خورد؟ چرا کمونیسم مارکس به این وضع در آمده است؟ چرا لنین این انقلابی بزرگ که با سازمان دادن انقلاب تاریخ قرن ۲۰ را تحت تاثیر خود قرار داد، چنین شد؟ باید

آموزه های حکمت را بخوانند و به کار برند. منصور حکمت سه دهه از عمر خود را صرف جدال با انواع کمونیسم غیر کارگری و بورژوازی کرد. باز خوانی منصور حکمت در واقع جواب به همین سوالات است. هفته منصور حکمت، مناسبت خوبی است که بار دیگر این سئوالات را در متن اوضاع

با رهبران حزب

جوانان حکمتیست: در هفته گذشته شاهد چندین تنش و اتفاق در دانشگاه های مختلف کشور بودیم که این را می توان موج جدیدی از اعتراضات دانشجویی دانست. در دانشگاه های تهران مثل رجایی، و اخیرا هم علوم اجتماعی دانشگاه تهران و ادبیات دانشگاه علامه و همچنین از سوی دیگر شاهد اعتراضات وسیعی در دانشگاه سهند تبریز بوده ایم. و جمهوری اسلامی هم دور جدیدی از محرومیت ها، اخراج ها، تعلیق ها و اصطلاحا "منوع الوردی" ها را در دانشگاه های مختلف به راه انداخته است. ابتدائا برای خواننده توضیح کوتاهی در مورد این اعتراضات و ماهیت آنها بدهید. و سپس تحلیل خودتان را در مورد دور نمای این جنبش و نقش دیگر دانشگاه ها و همچنین وظیفه ای که بر دوش فعالین کمونیست در محل هست را به خوانندگان نشریه انتقال دهید.

بهرام مدرسی: فکر میکنم مسله بیشتر به قسمت دوم سوال شما مربوط میشود. رژیم اسلامی دور جدیدی از فشار و محدودیت ها را تلاش میکند به فضای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ها تحمیل کند. چه هفته گذشته و چه هفته های پیش از آن ما همانطور که گفتید شاهد اعتراضات بزرگ و خوبی در محیط های دانشگاهی بوده ایم. این اعتراضات به نظر من در درجه اول برای عقب راندن این موج فشار رژیم اسلامی هستند. رژیم تلاش دارد فضای دانشگاه ها را به سال های ۶۷ و ۶۸ باز گرداند. این یعنی قدم به قدم عقب راندن و پس گرفت امکاناتی که دانشجویان دردانشگاه ها به رژیم تحمیل کرده اند. مجوز نمیدهند، مراسم های دانشگاه را نمیگذارند که برگزار شوند، به دختران دانشجو بخاطر لباس شان گیر میدهند، جدایی جنسی را میخواهند تحمیل کنند، مجوز های نشریات مختلفی را پس گرفته اند، به دانشجویان زیادی چه از طرف کمیته های انضباطی و چه مستقیما از طرف دادگاه انقلاب احکامی داده اند و غیره، در مقابل همه این ها ما موجی از اعتراض برای جلوگیری این تعرض را شاهد هستیم.

درجه موفقیت این اعتراضات تا آنجا که به موضوع امروزشان برمیگردد به نظر من دفاع از دستاوردهایمان است. به تمام معنی دفاع از این دستاوردها! اما رژیم اسلامی هم در موقعیت سیاسی خاصی این تعرض را به کل جامعه و این جا به دانشگاه ها سازمان داده است. اوضاع بین المللی که در آن قرار دارد و استفاده ای که این جا از سیاست های "زاندانم خودکماره جهانی" و دولت آمریکا میکند. بخش مهمی از صورت مسله سیاسی امروز هستند. دورنمای این اعتراضات در دانشگاه ها به نظر من بستگی به نوع سازمان آن دارد. اگر دانشجویان وسیعا از امکان سازمان دادن این اعتراضات برخوردار باشند، اگر کسی و جایی باشد که دست ها را در دست هم بگذارند، اگر سیاست های روشنی به این اعتبار بر این اعتراضات حاکم باشند، به نظر من امکان این را داریم که این حمله رژیم اسلامی را عقب برانیم و حتی آن را به ضد حمله ای برای گرفتن امتیازات و موفقیت بهتری تبدیل کنیم. همه این "گر" ها امروز جوابشان باز است. اگر سابقا ارگان هایی مثل دفاتر تحکیم وحدت و غیره مستقل از ماهیت سیاسی شان بالاخره امکانی به اعتراض علنی و وسیع دانشجویان میدادند، اینها دیگر امروز بطور واقعی موجود نیستند و کار جدی نمیتوانند از پیش ببرند. همانطور که گفتیم مهم دادن ظرفی است که این اعتراضات را بتواند در سطح کل کشور متحد و متشکل کند و قدرت اتحاد دانشجویان را به رژی و به جامعه و به خودش نشان دهد. همانطور که گفتیم جواب همه این اگر ها هنوز باز است و راستش وقت زیادی هم نداریم و باید دست بکار شد. در صورتی که نتوانیم چنین ظرفی را ایجاد کنیم متأسفانه این اعتراضات به جایی نخواهند رسید، ضمن پرشور بودن همه این اعتراضات باید این واقعیت را هم به رسمیت شناخت و به دیگران گفت.



خانم عبادی نسخه را عوض کن! حامد راد

پاس داشتن قوانین اسلام و قرآن، برای احقاق سنت فاطمه زهرا با شعار طرح سامان دهی حجاب به جان دختران و زنان افتاده اند.

ببینید چگونه به کسانی که به مخالفت با این حکومت بر می خیزند نام کافر میدهند و طبق قوانین اسلام با آنها برخورد می کنند.

از حقوق زن حرف میزنید آنها تحت لوای اسلام؟ پس ببینید چگونه مردان طبق سنت اسلامی که کاملاً هم شرعی و قانونی است زنان را کالایی برای رفع نیازهای جنسی و زاییدن و خانه داری می پندارند و از آنان دو تا دو تا بلکه سه تا سه تا از آن خود میکنند.

من نمیدانم منظور شما کدام اسلام است که نسخه آن را برای ما میپسجید. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نه تنها یک کشور کاملاً اسلامی است بلکه از دید من در اجرای قوانین اسلام خیلی جاها کوتاهی کرده است.

خانم مدافع حقوق بشر اگر میخواهید آزادی و برابری را برای مردم ایران به ارمغان بیاورید، اگر به فکر برابری زن و مرد هستید، اگر به فکر آزادی بیان هستید، اگر در اندیشه یک "ایران آزاد" و برابر و یک دنیای بهتر هستید به نظر من نسخه خودتان را به کل عوض کنید و کمی باز تر بیاندیشید.

خانم شیرین عبادی برنده جازه صلح نوبل هر از چند گاهی راهی اروپا و آمریکا میشود تا به بهانه های مختلف به ترویج و تبلیغ اسلام و فرهنگ ناب محامدی بپردازد. اما اسلامی که ایشان به یدک میکشد نه آن اسلام خاتمی و خامنه ای و احمدی نژاد بلکه اسلام ساخته و پرداخته ذهن مبارک خودش است که گویا برای تولید آن در زیر زمین خانه اش سالهای متمادی آزمایشها انجام داده، مقدار کالری و چاشنی آن را تنظیم کرده تا بتواند در مواقع اضطراری وقتی که اسلام حاکمه در خطر است این محصول دسترنج خود را بر گردن بیاندازد و برای تعیین نرخ و ارزش گذاری در خارج کشور کارناوال مضحک به راه اندازد.

روی سخن من با خود شخص این قهرمان مدافع اسلام است. لطفاً از خواب بیدار شوید. سالهاست که این پروژه که بنیانگذار آن خاتمی بود با شکست مواجه شده است. شاید اگر کمی در مورد ناکامی این پروژه تحقیق میکردید دیگر برای احقاق حقوق بشر در ایران این راه انتخاب نمی کردید. در مورد حقوق کودک و زن میگویند. خیلی شیرین است. اما چگونه؟ این برای خیلی ها سؤال است که چرا با وجود این همه ظلم و جنایتی که از جانب دین اسلام از همان زمان پیامبر تا حالا رخ داده هنوز عده ای اصرار دارند که دین

اسلام را مدافع حقوق بشر معرفی کنند. خانم عبادی کمی دقیقتر نگاه کنید. چرا راه دور. به همین ایران خودمان نگاه کنید. سالهاست که تحت نام اسلام مردم را استثمار کرده اند. ببینید چگونه برای رضای خدا، برای

سیستمها می شوند، فعالیت در این کار را به عنوان یک شغل انتخاب می کنند، و حقیقتاً، هم شاهدیم که تمام وقت روزانه خود را به این کار اختصاص می دهند. این شغل کاذب است. و هیچ نقشی در تولید اقتصادی یا ارائه خدمات اجتماعی ندارد. ثروت ها فقط از این دست به آن دست انتقال می یابد و هیچ بر آن افزوده نمی شود.

البته کمپانی ای مانند گلد کوئیست در آمد خود را در تولید اقتصادی سرمایه گذاری میکند و برای خودش سودآوری دارد ولی این ربطی به چند میلیون مردمی که در کشور شغلشان تنها جابجایی ثروت هاست ندارد. این جمعیت چند میلیونی نه مستقیماً و نه غیر مستقیم در هیچ فعالیت تولیدی یا خدماتی کار نمی کنند. و در حقیقت بخش عظیمی از نیروی کار جامعه که می توانست بسیار تولید کند و مفید باشد، به هرز می رود. این اساسی ترین نقد ما به موجودیت این سیستم ها است. لازم است تاکید کنیم که مخاطب ما هیچ کدام از چند میلیون نفری که در این سیستمها عضویت دارند نیستند. هیچ انتقادی به فرد وارد نیست، اساس مشکل در نظام اقتصاد کاپیتالیستی است.

در اقتصاد سرمایه داری مخصوصاً، از نوع بازار آزاد، دلالی و واسطه گری در گردش پولی و توزیع کالایی و خدمات رسانی نیروی کار عظیمی را به هرز می دهد. در کنار این لشکر عظیم بیکاران هم هستند که دیگر حتی شغل کاذب هم ندارند! حتی نیروی کارشان مصرف هم نمی شود که صحبتی بر سر به هرز رفتن آن باشد!

یک محاسبه سر انگشتی آمار حیرت انگیزی را نشان می دهد که نیروی کار میلیونها انسان در اقتصاد سرمایه داری بلا استفاده است. وجود این نارسایی در اقتصاد سرمایه داری اجتناب ناپذیر است، در نوع سرمایه داری دولتی کنترل شده تر، ولی در نوع بازار آزاد گسترده بیشتری دارد. این وضعیت باید تغییر کند، اقتصاد سوسیالیستی جایگزین این هرج و مرج و بی نظمی خواهد شد.

با بر چیدن این مناسبات غلط، سازمان اقتصادی را بر پایه نظم و برنامه ریزی و استفاده از نیروی کار تمامی افراد برقرار خواهد کرد و رشد اقتصادی را چندین برابر وضعیت فعلی افزایش خواهد داد.

هرزگی اقتصاد کاپیتالیستی

بهرام صالحی

گویا تا امروز بیش از دو میلیون و پانصد هزار نفر در ایران عضو سیستم گلد کوئیست هستند. انواع دیگری از چنین سیستمهایی نیز وجود دارد که مجموعاً، شاید بتوان گفت حداقل یک چهارم از مردم پولهایشان را در این کار سرمایه گذاری کرده اند. دیگر اکثریت مردم اگر خودشان عضو این سیستمها نباشند، حداقل آشنایی را با آن دارند. این روزها دیگر هر کسی که دوست یا آشنایش را برای قرار ملاقاتی دعوت می کند، ابتدا باید این سؤال را پاسخ دهد که آیا قرار است برای یکی از این سیستمها پزنت شود؟! با اینکه از نظر قانونی فعالیت و عضویت در این کار ممنوع اعلام شده است، ولی منع قانونی تأثیر چندانی در جلوگیری از پیشرفت شاخه های مختلف این سیستمها نداشته است، شاید برعکس به گسترش آن نیز کمک کرده باشد!

از این رو که این مسئله به امری مهم و فراگیر در کشور تبدیل شده است لازم است به آن بیشتر از اینها پرداخته شود. لازم به ذکر است در اینجا قرار نیست جواب اخلاقی یا شرعی این مسئله را بررسی کنیم، یا سعی داشته باشیم مردم را از عضویت در این سیستمها بازداریم، تنها به نقد اقتصاد سرمایه داری می پردازیم. بسیاری، یعنی اکثریت کسانی که عضو این



تماس با ما

دبیر هماهنگ: جمال کمانگر
jamalkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مردبیر: فواد عبدللهی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاونت دبیر: نسیم رهفنا
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

بهرام مدرسه
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۳۲۳۶۱۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!